

(پېښور) گلستان هنر

محمد حسین کشمیری

(درگذشته در ۱۴۲۰ ه.ق.)

دکتر حمید رضا قلیچ خانی

www.Ketab.ir

گلستان هنر ۵

فرهاد حسینی کشمیری

دکتر حمیدرضا قلیچ خانی

گرافیک: امیر فرهاد

ویراستار: غشایار قویص

(پیکو)

چاپ: نخست: ۱۳۹۲

تعداد کار: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

این کتاب نقش سبز چاپ و صفحه‌بندی نهیما

انتشر پیکو: تهران، غشایار آزادی، ابتدای آذر پاهان، پلاک ۱۰۲

تلفن: ۶۶-۳۸۴۳۶ فکس: ۶۶-۳۸۴۳۶

www.peikarehpub.ir

E-mail: info@peikarehpub.ir

بر شناسه: قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۹۲-

عنوان: و نام پیدافرد: محمد حسین کشمیری / حمیدرضا قلیچ خانی..

مشخصات نشر: تهران: پیکو، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص: تصویر (نگار)..

اروشت: گلستان هنر: ۵

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۷۲۸۰۱۷۹

وضع: گروستادوسی: قیما

موضوع: کشمیری، محمد حسین: ۱۰۲-۱۰۲

موضوع: خوشنویسان ایرانی: ۱۰۲-۱۰۲

ردیف: کشمیری، محمد حسین: ۱۳۹۲-۱۳۹۲

ردیف: کشمیری، محمد حسین: ۱۳۹۲-۱۳۹۲

شماره: کتاب: ۱۳۱۵۱۶۸

فهرست

۶	پیش از هر چیز
۹	درآمد
۱۰	زندگی و هنر محمد حسین
۱۲	استادان و شاگردان
۱۴	آثار برجای مانده
۴۰	منابع

پیش از هر چیز

محمدحسین کشمیری از تواناترین نستعلیق‌نویسان شبه‌قاره‌ی هند است که بنابر رواج چند صدساله‌ی زبان فارسی در هندوستان، تمامی آثارش به زبان‌های فارسی و سنسکریتی و عربی است؛ وی از فرط اشتیاق به فرهنگ و هنر ایرانی و تأثیر این فرهنگ در هندوستان، هیچ اثری را به زبان مادری خویش کتابت نکرده است؛ خوشنویسانی این‌گونه در هندوستان کم نیستند.

در میان کتیبه‌ها و نسخه‌های خطی هندوستان، دسته‌ای به لهجه‌ی هندی و بی‌توجه به وضعیت آن خط در ایران نوشته شده است و دسته‌ای دیگر به قصد رقابت و رسیدن به سلیقه و الگوهای مورد پسند ایرانی، ساخته و پرداخته شده است. همین نکته در شعر سخنوران هندوستان نیز به‌خوبی دیده می‌شود. شاعرانی مانند حسن سجزی دهلوی (ف. ۷۳۸ ه. ق.) و بیدل دهلوی (ف. ۱۱۳۳ ه. ق.)، حتی پیش به زبان مادری‌شان نسروده‌اند و شعر پارسی را تاج سر سخنوری دانسته‌اند. محمدحسین از گروهی است که کوشیده تا عیار هنرش را به استادان طراز اول ایرانی هم‌چون میرعلی کاتب هروی (ف. ۹۵۱ ه. ق.) برساند و به‌راستی از این میدان پیروز و سربلند بیرون آمده است. وی را می‌توان بهترین پیرو میرعلی در شبه‌قاره به‌شمار آورد و گواه این نکته، آثار ممتازش در مرقع جهانگیری (گلشن) است. در این کتاب یادداشت‌های

اخیرم را به اختصار هرچه تمام‌تر مرتب کرده‌ام تا بتوان همراه با مروری بر آثارش، به دقیق‌ترین شناخت از این هنرمند دست یافت؛ هنرمندی که هنرش در جغرافیای زبان پارسی جلوه‌ای زیبا و یگانه دارد.

در پایان لازم است از کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی که اجازه‌ی تصویربرداری از این آثار را دادند، تشکر کنم. در این جا ب‌مناسبت نیست که از پروفسور امیرحسن عابدی (ف. ۱۳۹۰ ه‍.ش.)، پدر زبان فارسی در هندوستان، یاد کنم که در روزهای اقامتم در دهلی همیشه لبخندزنان مشوقم بودند و اکنون در کنار پاکان جای دارند؛ همچنین سپاسگزاری کنم از استادان بزرگ هند و پاکستان که جملگی در راه یادداری از زبان و ادب پارسی، عمر خویش را صرف کرده‌اند و دوستی با ایشان، مایه‌ی افتخار اینجانب است: دکتر حکیم‌الدین قریشی (ساکن هلند)، دکتر رحیم رضا (ساکن ایتالیا)، دکتر شریف‌حسین قاسمی، دکتر یونس جعفری، دکتر چندرشیکهر، دکتر سیدحسن عباس، دکتر سیده بلقیس فاطمه حسینی، دکتر عارف نوشاهی و دکتر معین نظامی؛ هم‌چنین برای تمام پژوهشگران و علاقه‌مندان هنر و خاصه خوشنویسی ایرانی، آرزوی توفیق بیش از پیش نمایم.

عمید رضا قلیچ‌خانی

تهران، پاییز ۱۳۹۱

کتابت و خوشنویسی از سپیده دم دوره ی اسلامی به جهت پاسداری از «قران کریم» بسیار مورد توجه قرار گرفت و کاتبان مسلمان به ارجمندترین جایگاه اجتماعی دست یافتند. خوشنویسی تنها هنری است که سلسله ی شاگردی و استادی آن را به ائمه ی اطهار (ع) رسانده و از آن با عنوان «هنر مقدس» یاد کرده اند.

با ورود مسلمانان به شبه قاره ی هند و گسترش فرهنگ اسلامی در آن سرزمین، ایرانیان توانستند بیش از دیگر همسایگان بر هنر خوشنویسی هند تأثیرگذار باشند. از جمله ی عوامل اصلی این تأثیر، همسایگی ایران و نفوذ شگرف زبان و ادب فارسی در شبه قاره بوده است.

بروزهشگران برآنند که ایرانیان بیش از اعراب در تداوم و ارتقای خطوط اسلامی کوشیده اند، چنان که ابن مقله شیرازی (۳۲۸-۳۷۳ ه.ق.) را نخستین استادی دانسته اند که خطوط ششگانه (نسخ، ثلث، رقاع، توقیع، محقق و ریحان) را از کوفی استخراج و قانونمند کرد. (رسالاتی در خوشنویسی، ص ۱۸)

عالی افندی در کتاب مناقب هزوران به معرفی خط و خوشنویسی در نزد عثمانیان پرداخته است و حایب است که در آن کتاب نیز، شمار خوشنویسان ایرانی بیش از ترکان و تازیان است.

از سال ۳۹۲ ه.ق. که سلطان محمد غزنوی به هندوستان حمله کرد، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نیز در سایه ی سپاهیانیش بیش از پیش بر فرهنگ هندوان تأثیر گذاشت؛ تا این که شاعرانی چون مسعود سعد سلمان لاهوری (در سده ی پنجم) به سخنوری پرداختند و ادب فارسی در آن دیار از شرق تا به غرب رونقی به سزا یافت.

کهن ترین کتیبه ی شناخته شده به زبان فارسی، بر سردر دروازه ی شرقی مسجد قبة الاسلام در کنار قطب منار در دهلی واقع است. این کتیبه به دوره ی شهاب الدین محمد سام غوری مربوط است و تاریخ ساخت مسجد را در سال ۵۸۷ ه.ق. توسط قطب الدین ایبک (ف. ۶۰۷ ه.ق.) بیان کرده است. (حکمت، ۱۷)

متن این کتیبه چنین است: «این مسجد را بنیاد کرد قطب الدین خدا رحمت کناد و هرکه ببند این خیر را دعا کند.» (سیرالمنازل، ۱۰۱)

هرچند که از سده ی چهارم تا ششم هجری کتیبه ها و کتاب هایی به زبان عربی در دست است و از سده ی ششم هجری به بعد نیز آثار فراوانی به زبان فارسی در شبه قاره یافت می شود اما جنبه ی هنری خوشنویسی از آغاز حکومت بابر (۹۳۲ ه.ق.) تا پایان سلطنت شاه جهان (۱۰۶۸ ه.ق.) به کمال گرایید و کیفیت بسیاری از آثار خوشنویسی شبه قاره در سده ی یازدهم هجری با آثار نظیر خود در ایران و کشورهای اسلامی به برابری رسید.

کتابت به شکل کاربردی خط و نگارش در تهیه و تولید نسخه های خطی گفته می شود که از سده های نخستین ورود مسلمانان به شبه قاره آغاز شد و با ورود عارفان و ایرانیان اهل فرهنگ، سامان فراوانی یافت. نسخه های خطی بازمانده از کاتبان شبه قاره نشانگر این نکته است که دسته ی اصلی آن ها را متون عرفانی، ادبی و تاریخی تشکیل داده است.

خوشنویسی جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه‌ی خط و تهیه‌ی کتاب‌ها، مرقعات نفیس و کتیبه‌ها را گویند که از سده‌ی دهم هجری و با گسترش خط نستعلیق، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و تا اواخر سده‌ی یازدهم هجری به اوج شکوفایی رسید. گسترش خوشنویسی در هند با تکامل و اوج‌یافتن خط نستعلیق در هرات و پس از آن اصفهان، همخوانی داشت. از اواسط سده‌ی دهم هجری مهاجرت شاعران و خوشنویسان ایرانی به شبه‌قاره نمود روشن‌تری یافت. نستعلیق آغازین که از اوایل سده‌ی هشتم هجری در بسیاری از آثار به چشم می‌خورد، در اواخر سده‌ی هشتم توسط میرعلی بن حسن تبریزی (ف. ۸۰۳ ه.ق.) قانونمند شد و مراحل تکامل و گسترش خود را در سده‌ی نهم و دهم طی کرد. همایون پس از اقامت در دربار صفوی و آشنایی عمیق با فرهنگ و هنر ایران، هنگام بازگشت به وطن، هنرمندانی را همراه با خود برد. در آن میان هنرمندان و خوشنویسانی چون محمد مؤمن قزوینی و به گمان بسیار، سلطان بایزید دوری عازم هند شدند. سلطان بایزید از سوی اکبرپادشاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ه.ق.) به خطاب «کاتب الملک» سرافراز گشت. معزالدین محمد حسینی (زنده در ۹۹۰ ه.ق.) که از اسادان زبردست خط نستعلیق بود در نیمه‌ی دوم سده‌ی دهم هجری به هند مهاجرت کرد؛ با این حال، اوج مهاجرت نستعلیق‌نویسان ایرانی در سده‌ی یازدهم هجری بود.

زندگی و هنر محمدحسین

از جمله خوشنویسان هندی که به رقابت با هنروران ایرانی برخاست، محمدحسین کشمیری (ف. ۱۰۲۰ ه.ق.) بود. محمدحسین از قله‌های خط نستعلیق شبه‌قاره و از نظر سبک و عیار خوشنویسی، از هنرمندان انگشت‌شماری است که به پایه‌ی نستعلیق‌نویسان طراز اول هم‌چون سلطان‌علی مشهدی (ف. ۹۲۶ ه.ق.) و میرعلی کاتب هروی (ف. ۹۵۱ ه.ق.) رسیده است. محمدحسین اگرچه ایرانی نبوده ولی تمام آثارش در جغرافیای زبان فارسی و اندکی نیز ترکی قرار دارد. همان‌گونه که بیدل دهلوی و ده‌ها سخنور هندی، بی‌آن‌که حتی سفری به ایران آیند، تمام شور و شعف خویش را نثار ادب پارسی کرده‌اند و به زبان مادری خود که هندی یا اردو بوده است، حتی یک بیت نیز شعر نسوده‌اند. از این‌روست که بنده تاکنون اثری از محمدحسین به زبان هندی یا اردو ندیده‌ام. وی از اکبرشاه لقب «زرّین‌قلم» گرفت و گاه در آثار خود از عنوان «اکبرشاهی» بهره جسته است. پس از آن در آثاری که در دوره‌ی جهانگیرپادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ه.ق.) کتابت کرد نیز از لقب «جهانگیری» و «جهانگیرشاهی» بهره‌مند گشت و بسیار مورد توجه این دو پادشاه بود.

ابوالفضل علامی در آیین اکبری وی را «جادورقم» خوانده است: «... خاصه نستعلیق روایی دیگر یافت و جادورقمی که در ظل سریر خلافت صاحب این نقش دلپذیر توان گفت محمدحسین کشمیری‌ست و به خطاب زرّین‌قلمی روشناس آفاق، شاگرد مولانا عبدالعزیز، از استاد گذرانیده، مذات و دوایر او متناسب همنند و کارآگاهان او را به پایه‌ی میرعلی [کاتب هروی] برگیرند» (آیین اکبری، ص ۹۳)